

تفکر

سال اول

آذر ماه ۱۳۰۶

شماره چهارم

بقلم رسول نخشیدی

تعلیم و تربیت

— ۴ —

عواملی که در ساختمان دماغی بشر دخالت عمده دارد

محیط - حکومت - مذهب

مذهب

چقدر مذاهب مختلف در میان اقوام و ملل ازمنه قدیمه در این عالم پیدا شده قرن‌ها بر ملیونها نوع بشر حکمرانی کرده بمرور زمان بواسطه رشد و تمیز دماغ نسلهای بعد منسوخ گردیده ادیان و مذاهب تازه تری جای آنها را گرفته است؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و قتیکه انسان در این موزه های پر عرض و طول پایتختهای معتبر اروپا انواع مجسمه های خدایان ادیان گذشته ملل ادوار جاهلیت بشر را تماشا میکند و خیال میکند هر يك از اینها در عصر خود اسباب تسلی خاطر ملیونها نفوس اولاد آدم بودند حال خود بدست يك عده فرنگی محبوس شده برای تخفیف یا هر چه تصور کنید در معرض نمایش عامه گذاشته شده اند در چنین حالتی اسان درجات نمو - رشد و تمیز دماغ بشر را دانسته به فیروزی های آن تحسین و تبریک میگویند و در مقابل قدرت و نفوذ و فهم دماغ انسانی اکرام نموده و تمام این تبدلات و تغییرات را از آن قوه می داند و بس .

همین هم هست هر قدر قوه تمیز و فهم بشر زیاد میشود بهمان اندازه

هم از خرافات او کاسته میشود امروز تعصب های ملی - نژادی مخصوصاً مذهبی که موضوع بحث است در میان مللی زیاد است که از دنیا و قوانین طبیعت و علوم و فلسفه عصر حاضر بی بهره هستند ملل متمدن دنیا هیچیک بدون مذهب نیستند هر يك بيكی از ادیان معروف معتقدند ولی هیچیک تعصب چندین قرن پیش را نشان نمی دهند امروز در دنیای متمدن هیچکس را برای خاطر دین و مذهب بقصاص نمیرسانند یکنفر کاتولیک با کمال خون سردی با انتقادات یکنفر هندو گوش میدهد و از این انتقاد هر اندازه هم تند باشد عصبانی نمی شود و اگر جواب هم نداشته باشد جبارو چنجال نمیکند اگر شخص هندو در گفتار خود مصر هم باشد باز از جا در نمی رود زیرا که به دنیا و اوضاع آن و مخصوصاً بتاریخ مذهب خوب اشنا است اما یکنفر هندو امروز اینطور نیست ابدأ تحمل آنرا ندارد که بشنود کسی مذهب هندو را ممکن است مورد بحث قرار دهد باید اقرار کرد همین هم هست منتها از دنیا و اوضاع و احوال آن بی اطلاع است و از تاریخ ادیان دنیای گذشته و امروز بخصوص از رشد و نمو و پیدایش مذهب خود بی خبر است .

تاریخ مسیحیت و پیدایش آنرا در عالم و نمو و رشد نفوذ و تسلط آنرا در میان ملل اروپائی و آسیائی مطالعه کنید خواهید دید این مذهب ساده چه ظلمها در عالم نموده و از خود چه یادکارهای مخالف عدل و انصاف و چه سیاهی های پاك نشدنی در تاریخ ادیان و مذاهب عالم انسانیت باقی گذاشته است و امروز تمام آن خونریزیهها و قتل عام ها و غارت و خرابیهای پانزده قرن تاریخ و حشت انگیز خود را کنار گذاشته خود را مبشر صلح عالم و فرشته آزادی بشر معرفی میکند .

مذهب در ساختمان دماغی بشر بیش از حکومت دخالت دارد حکومت چنانکه در مقالات گذشته ذکر شد بیشتر با آزادی ظاهری انسان سر و کار دارد و تأثیر آن نیز آئی و موقتی است ممکن است جانشین يك سلطان ظالم و جابر يك پادشاه رعیت پرور و عادل باشد و در نتیجه حکومت او يك بهبودی در احوال ظاهری پیدا گردد ولی مذهب اینطور نیست سرکار

مذهب با روح و روان انسان است که میخواهد برای همیشه آنرا مطیع و پیرو خود گرداند که حتی در زوایای منزل و مأوای خویش هم نتواند جز آنچه که برای او تعیین شده فکر کند.

شاهد ما تاریخ است از قرائت آن می بینیم که هر وقت يك مذهبی توانست روح يك ملت را در تحت نفوذ و استیلای خود در آورد دیگر در های سؤال و تحقیق بالتمام بروی آن ملت بسته میشود و هر چه علماء دین و مذهب گفتند بدون چون و چرا باید اطاعت نمود علم و فلسفه باید از آن دیار هجرت کنند برای عالم و فاضل محیط تنگی میکند رشته تحقیقات کسبخته میشود در های محافل حکمت و دانش مسدود میگردد طالبین آنها تعقیب و از وطنشان متواری میشوند برای نمونه فقط يك مثال خواهم آورد آنهم از تاریخ پیدایش مذهب مسیح علیه السلام و اثرات آن در عالم ولی قبل از آنکه داخل در موضوع ظهور و پیدایش آن بشوم لازم است دنیای آنروز یعنی دنیای دو هزار سال قبل از این را خیلی مختصر بطوریکه خواننده از مطالعه آن کسل نشود معرفی کنم

قبل از ظهور مسیح ۴ بشر در چه درجه از تمدن بوده؟ علوم و صنایع و فلسفه و حکمت چه پایه قرار گرفته بود؟ و فکر بشر تا چه حد و درجه رشد و نمو رسیده بود

ما دیدیم هر جا که عناصر طبیعت بحال بشر مساعد بود در آنجا روح و جسم انسان رو به نمو و رشد نهاده قوه فهم و تمیز او زیاد شده بمرور توانسته برای خود حکومت عادلانه که آراء عمومی آنرا تاهین نموده باشد تشکیل داده عدالت و مساوات را در مقابل قانون برای همه بدون استثناء رعایت و برقرار کرده است البته در میان چنین ملتی یا يك همچو حکومتی فکر عده از سکنه آزادانه داخل در مسائل علمی و حکمتی خواهد شد که نمونه آنرا با تمام معنی در میان یونانیها مشاهده میکنیم .

ما می بینیم علماء و دانشمندان یونانی در هر رشته از علوم و حکمت داخل شده پایه آنرا باعلا درجه رسانده اند از قرن هشتم و هفتم قبل از میلاد چراغ علم و حکمت در یونان روشن شده و با چه گرد باد های حوادث و

طوفانهای عظیم مصادف گردیده تا اواخر قرن چهارم قبل از میلاد که مقارن با طوفان و قتنه اسکندر مقدونی است با نور خود جزیره بالکان و سایر نواحی آباد آن دوره را روشن کرده است. از قتنه اسکندر و گذشتن او در ۳۲۳ قبل از میلاد دیده میشود علم و حکمت یونانی با اسکندریه منتقل شده در تحت حکومت عادلانه یک عده حکمرانان یونانی الاصل - بطالسه آنها را مرکز علم و حکمت نمود متجاوز از شصت سال طالبان حکمت و فلسفه آن ادوار را از علم و دانش خود بر خور دار گردانیده است که آثار و علائم آنها تا ابد باقی است.

سلسله بطالسه در ۳۲۳ سال قبل از میلاد در اثر متلاشی شدن امپراطوری مستعجل اسکندر مقدونی تأسیس شد و در تقسیمات بین سرداران او مصر نصیب بطلمیوس سوتر (۱) گردید این سردار نامی اسکندریه جدید البناء را پایتخت خود گردانید و این شهر در تحت توجه و سر پرستی عده از پادشاهان این سلسله مرکز علم و دانش گردید و بواسطه مؤسسات علمی و حکمتی که در ذیل مختصری بانها اشاره میشود علماء و فضلاء و فلاسفه را از اطراف و اکناف جلب نموده تحصیل و توسعه و انتشار علوم را در دنیا سبب گردیدند.

یکی از مؤسسات این سردار نامی و پادشاه دانش کیش بنای موزه با شکوه اسکندریه است که در جوار قصر خویش از سنک مرمر بنا نمود در حقیقت این مؤسسه یک دارالفنون وسیع و عالی و مکملی بود که برای هر رشته از علوم و فلسفه و فیزیک و شیمی و تاریخ طبیعی و حیوان شناسی و طب و اطاق تشریح محل جدا گانه تأسیس شده بود مقصود عمده از ایجاد یک چنین مؤسسه علمی اول حفظ و حراست و ابدی کردن معلومات و علوم موجوده عصر بود دوم ازدیاد آنها سوم انتشار و توسعه آنها در عالم برای این سه مقصود این مؤسسه با عظمت را بر پای نمود.

برای مقصود اول فرمانهای شاهانه صادر گردید که رئیس کتابخانه موزه بخرج پادشاه هر اندازه و هر قدر که امکان دارد کتب را خریداری نموده و جمع آوری کند و یک عده زیادی منشی های موظف در موزه معین نمود تا

کتاب نادری را که صاحبان آنها مایل بفروش نیستند نسخه صحیح بردارند بسا اتفاق می افتاد که مبالغ کلی بیک کتاب نادر تأدیه میشد و برای کتب علماء یونانی مبالغ زیادی خرج نمود تا تمام آنها را تهیه و در کتابخانه موزه جای دادند باین ترتیب متجاوز از هفتصد هزار جلد کتاب در دو کتابخانه یکی در همین موزه بعدد چهارصد هزار جلد و دیگری در محل نزدیکی بعدد سیصد هزار جلد جمع آوری گردید.

در اندک مدتی موزه اسکندریه که يك دارالفنون عالی عهد عتیق محسوب میشود در حکمت افلاطون علوم طبیعی ارسطو علم اخلاق زنو (۱) پیروان جدی و استادان متبحر پیدا نمود و رفته رفته این مؤسسه شهرت عظیمی در دنیای آن دوره پیدا کرد که از اطراف و اکناف طالبان علم و دانش در زیر سقفهای آن گرد آمدند اوقاتی بود که متجاوز از چهارده هزار طالب علوم مختلف در آن محوطه مشغول تحصیل بودند.

۲۳۷

در حقیقت میتوان گفت دنیای امروزه با تمام ترقیات علمی و صنعتی و حکمتی خود مرهون علوم و صنایع و فلسفه و حکمت دانشمندان آن دوره اسکندریه است که از سیصد سال قبل از میلاد شروع شده و متجاوز از هفتصد سال جهانرا با نور حکمت و معرفت خود منور گردانید.

بعد از انقراض دولت بطالسه و ظهور و استیلای دولت جهانگیر روم باز دیده میشود حکمت و فلسفه از بین نرفته و کسی از متنفذین یا سلاطین مقتدر یا پیروان و علماء مذهب بت پرستی ابدأ مانع از ترقیات و یا تحقیقات آن نشدند پیوسته علماء و دانشمندان علوم و حکمت در این رشته مشغول تحقیقات بودند و بخزائن علمی و حکمتی جهان افزوده میشد تا اینکه مذهب مسیح در عالم اروپا پیدا شده بمرور بدایره نفوذ خود افزود تا اینکه در اوایل قرن چهارم بعد از میلاد قسطنطین برای رسیدن بمتصود خویش که عبارت از تخت و تاج باشد علامت صلیب را به بیرق جاه طلبی خود نصب نموده باستعانت سربازان محل خود را بامپراطوری روم رسانید

مذهب مسیح خود را تا این تاریخ مبشر صلح و فرشته آزادی برای ملل

مقهور و حامی مظلومین معرفی مینمود ولی بعد از این واقعه که دولت را بدست گرفت خود یگانه عامل ظلم و ستم گردید و متجاوز از هزار سال عالم بشریت را در جهل و نادانی و در دریای خرافات و اوهام نگاهداشت و بنام مذهب فجایعی نمانده که مرتکب نشد و ما شمه از آنها را ذیلا خواهیم نکاشت :

مذاهب عمده جهان عبارت از ادیان ذیل است - اسلام - عیسوی - بودائی - هندو - کونفوسیوس و عده مختصری بیروان موسی علیه السلام - از یکهزار و پانصد و چهل و دو میلیون نفوس بشری قریب ۵۶۰ میلیون بیروان مختلف حضرت عیسی است قریب دویست و بیست میلیون مسلمان - یکصد و چهل میلیون بودائی - دویست و ده میلیون هندو - چهارصد میلیون بیروان کونفوسیوس و ۱۲ میلیون هم اسماً در دین حضرت موسی باقی است بتاریخ ظهور هر یک از ادیان فوق مراجعه کنید خواهید دید نشو و نمای اولیه آن در آسیا بوده چه بسا مذاهب دیگر در ازمینه قدیمه در آسیا پیدا شده و اینک مرور زمان و گذشت روزگار آنها را فراموش و منسوخ نموده است و اگر توانسته تا امروز با ترقیات و حوادث زمان مقاومت کرده و باقی بمانند رونق اولیه را دارا نمیباشند مانند مذهب زردشت که یکی از مذاهب یگانه پرستی عهد عتیق است که روح پاک نژاد آریان آنرا برای نجات بیروان خود در ایران - آسیا ایجاد نموده است امروزه بیروان این آئین همی اگر با بیروان سایر مذاهب مقایسه شود بیش از مثنی نخواهند بود آنها نیز اگر رنج آوارگی را تحمل نینمودند جز اسمی از آن در روزگار ما چیز دیگری باقی نمیماند .

در هر حال گویا از خصایص مخصوص ملل آسیا است که در ایجاد مذاهب و ادیان یدی طولی دارند قوم یهود بیش از سایرین دارای این استعداد بوده مذهب عیسوی در زمانی پیدا شد که ملت جهانگیر روم تمام ممالک اطراف و سواحل دریای مدیترانه را تصاحب نموده یک امنیت غیر متزلزل در آن عصر برقرار نموده بودند و ملل مقهور هر یک انتظار یک نجات دهنده آسمانی را منتظر بودند بخصوص قوم یهود که از سالیان دراز این انتظار را

داشت در چنین عصر و در میان چنین قومیکه فاقد هر نوع قوای ظاهری بود حضرت عیسی علیه السلام ظهور نمود یقین است در حکومت چنین دولت مقتدری مانند روم ظهور پیغمبری در چنین عصری آنهم در میان قوم یهود جز اصول تسلیم قضا و قدر و فنای صرف تعلیمات دیگری نمیتواند بدهد در حقیقت روح مذهب اولیه حضرت عیسی روی اصول فکری قوم یهود که تمام قوای مادی خود را از دست داده قرار گرفته است (۱) برای نمونه قسمتی از گفتار مهم این مسیح موعود قوم یهود را در ذیل نقل میکنیم « من بشما میگویم با شریر مقاومت مکنید بلکه هر که برخساره راست تو طیانچه زند دیگر را نیز بسوی او بگردان و اگر کسی بخواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عباى خود را نیز بدو واگذار و هر گاه کسی ترا برای يك ميل مجبور سازد دومیل همراه او برو من بشما میگویم که دشمنان خود را محبت نمائید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و بانانی که از شما نفرت کنند احسان کنید و بهر که بشما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید » (۲)

۲۳۹

وقتی که انسان از روی دقت و تأمل اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن عصر را مطالعه میکند قدرت و نفوذ دولت رومنها را با ضعف و سستی ملت مغلوب و مقهور یهود مقایسه مینماید مشکلی در حل موضوع برای او باقی نمیماند و باین نتیجه قطعی میرسد که این نوع تعلیمات موافق و مطابق محیط آن عصر بوده و بس بجز این نوع تعلیمات ادعای دیگری در

(۱) ملت یهود قرنهای قبل از این تاریخ قوای مادی خود را از دست داده بود سیروس اولین پادشاه مستقل ایران آنها را از اسارت بابل نجات بخشید و بمعیت اشخاص مخصوص و وجوه کافی آنها را با وطنشان فرستاد و تأکید کرد معبد اورشلیم را تعمیر و آباد نموده پیرستش خدای یگانه مشغول باشید و تادولت هخامنشی پایدار بود با قوم یهود مساعدت میشد در فتنه اسکندر مقدونی نیز مقاومتی از ملت یهود ظاهر نگردید بدون هیچ شرطی دروازه های اورشلیم را بروی اسکندر باز نمودند در مقابل رومنها نیز ایستادگی نکردند و بدون جنگ تسلیم شدند

(۲) انجیل متی فصل آیه ۴۴ - ۳۹

آن عصر امکان نداشت يك چنین مذهب ساده که مطابق محیط و سیاست بود و قتیکه وارد محیط اروپا گردید تغییر کرد و آن روح افتادگی و تسلیم صرف در مقابل پیش آمدها و فنای محض در مقابل زور و قدرت رفته رفته مبدل به تجاوز و تعدی گردید و پیروان آن چنانکه اشاره خواهد شد دستهای خود را تا مرفق بخون فاضل ترین بندکان خدا آغشته نمودند بساط علم و ادب و حکمت و فلسفه را برچیده بجای آن جهل و نادانی خرافات و اوهام و تعصب مذموم را برقرار نمودند دنیای تحقیق و تدقیق و تنبیح را بعالم ایمان صرف بدون چون و چرا تبدیل کردند علماء و فلاسفه را به بدترین زجر و شکنجه هلاک نمودند خزائن کتب علمی و ادبی را باتش بیداد سوختند (۱) طالبین علم و فضل و کمال را پیراکنده و متواری نمودند (۲) برای مدت یکهزار سال دنیای باندرجه فضل و کمال را که مکنب آتن و اسکندریه و روم بوجود آورده بود در ظلمت جهل و نادانی ننگ داشتند اگر ظهور اسلام و جدیت مسلمین ادوار خلفای بنی عباسی در بغداد و بنی امیه در اندلس نبود از فلسفه یونان و حکمت اسکندریه و سایر علوم و صنایع ادوار گذشته قبل از میلاد چهار قرن بعد از میلاد نام و نشانی نمانده بود - بنای علم و حکمت امروزی مرهون مجاهدتهای يك عده حکماء و فضلاء اسلام است که از قرن دوم هجری شروع به زنده کردن آنها نموده در قرنهای بعد مقدرات کلی بر آنها افزودند تا بعد از جنگهای صلیبی که متجاوز از دوست سال طول کشید مجدداً با اروپا راه پیدا کرد، صفحه غرب را که قرنهای درظلمت جهل و نادانی گرفتار شده بود منور گردانید

۲۴۰

(۱) اغلب مورخین اروپائی و امریکائی سوزاندن کتابخانه اسکندریه را بمسلمین قرن اول هجری نسبت داده اند در صورتیکه پیروان مذهب مسیح قرنهای قبل از ورود فاتحین اسلام آنها را سوزانده و محو نموده بودند متجاوز از بیست سند تاریخی موجود است که عجبالتاً فرصت ایراد آنها نیست خود يك داستان جداگانه است (۲) در عهد انوشیروان عده از آنها بدربار شاهنشاه ساسانی پناهنده شدند و در وقت عقد معاهده یکی از مواعهدنامه دادن امنیت مالی و جانی بفضلاء و فلاسفه در قلمرو امپراطور روم بود از تجاوزات علماء مذهب مسیح .

نوشتن فجایع و ظلمهای بی حد و حساب کلیسا بنام مسیحیت در قاره اروپا و آفریقا و سایر نواحی عالم باین مختصرها ننگجد بلکه کتاب های متعدد و يك عمر طولانی لازم است آنها معلوم نیست آیا انسان بانام آن قادر شود یا نه در صورتیکه اشخاص بی شماری رنجهای فراوان در این راه کشیده کتب بسیاری در این باب نوشته اند حتی خلاصه آنها نیز چند جلد کتاب لازم دارد عجاله بیکی دو فقره از آن واقعات الم انگیز بی شمار قناعت کرده و این مقاله را خاتمه میدهم.

مبلغین مذهب مسیح در قرون اولیه از امنیت مالی و جانی که نتیجه استیلاء و تسلط دولت جهانگیر روم بود استفاده نموده دایره تبلیغات خودشان را وسعت دادند چون در بهودیت از ضدیت و مخالفت های خاخام های ریش بلند قبا دراز نتوانستند بدین عهد جدید رونق دهند از راه شامات و آسیای صغیر باروپا راه پیدا کرده داخل یونان و ایتالیا گردیدند و بعوض اورشلیم شهر روم مرکز تبلیغات عیسوی گردید و برای سیصد سال تحمل انواع مصائب و محن را نموده بالاخره در اوایل قرن چهارم میلاد در تحت ریاست قسطنطین معروف (۱) دارای قدرت و نفوذ امپراطوری روم گردیدند.

در حقیقت تا این تاریخ مذهب عیسوی دارای هیچ قدرتی نبوده و بعد از اینکه امپراطوری روم به قسطنطین رسید از حال تسلیم صرف و فنای محض که ناشی از محیط سیاست بود خارج شده روح تعدی و تجاوز را پیشه کرد و عبارت دیگر آن مذهب ساده مناسب با حالت امروز یهود بواسطه تغییر محیط و پیروانی غیر از قوم یهود اوضاع دیگر و آداب و رسومات مخصوص بخود گرفت که هیچوقت در موطن اصلی خویش دارا نبوده اینک در قلمرو رومن ها در هر جا و هر محل کلیسا های بزرگ و معتبر و رئیس کهنه و يك عده خیلی زیادی کثیش با ترتیبات مخصوص پیدا شدند و بنام مذهب بتمام مؤسسات سیاسی و اجتماعی دست انداختند و آنها را تصاحب نمودند صد سال طول نکشید که تمام مدارس و مکاتب حکمتی و فلسفی و علمی را در اطن و اسکندریه بسته و تدریس کتب غیر مذهبی را از هر قبیل

که باشد قدغن نمودند فلاسفه و حکماء را در کوچه و بازار و در ملاء عام قتل عام نمودند در اوایل قرن پنجم رئیس روحانیون (۱) کلیسای اسکندریه آخرین باقی مانده حکماء فلاسفه را (۲) که هزاران عالم دانشمند دریای وعظ و تعلیمات او حاضر میشدند در روز روشن بایک جمعیت انبوهی هجوم کرده او را گرفته قطعه قطعه نمودند و گوشت بدن او را از استخوان جدا کرده در کوچه های اسکندریه آن شهر تاریخی که يك وقت مرکز علم و دانش و حکمت و فلسفه بود و در این هنگام بواسطه بروز و ظهور مذهب عیسوی مرکز جهل و نادانی شده بود آتش زده سوزانیدند و از آنجا بکتابخانه سراییون (۳) حمله برده سیصد هزار جلد کتاب که بارنج بسیار در عرض قرون متمادی جمع آوری شده بود طعمه آتش بیداد جهل و نادانی نمودند (۴)

بقیه دارد

- (1) St syril
(2) Hypatia
(3) Serapion

(۴) دو کتابخانه معتبر در شهر اسکندریه از زمان بطالسه وجود داشت یکی در موزه معروف که بطلمیوس سوتر بنا نهاده بود دیگری در سراییون مجاور همان موزه اولی دارای چهار صد هزار جلد بود دوم سیصد هزار جلد کتاب خانه موزه در قرن اول میلادی در محاصره قیصر معروف آتش گرفت دومی در این واقعه بدست علماء روحانی مذهب مسیح گرفتار حریق گردید کتاب یا کتابچه دیگری در اسکندریه وجود نداشت که فاتحین اسلام آنها را در تونهای حمامها بسوزانند.

اغلب مورخین مسیحی این نسبت را بعمر و عاص می دهند و اینروایت را از قول ابوالفرج ملطی مؤلف تاریخ مختصر الدول نقل کرده اند که عمر و عاص کتابخانه های اسکندریه را در میان چهار هزار حمام شهر اسکندریه تقسیم نمود و برای مدت ششماه هر يك بجای سوخت بکار بردند